

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۲ سپتمبر ۲۰۱۲

جبر و اختیار؟؟!! قضا و قدر؟؟!!

بخش چهارم

در باره قضا و قدر اسلام و مسلمانان زیاد تبصره نموده و هر کدام به نوبه خود از این کلمه تفاسیر خاص خود را دارند. از آن جمله هم یکی لغت شناس معروف عرب احمد بن فارس بن زکریا می باشد او در کتاب خود (المقاییس) چنین می گوید: برای معنی به ظاهر گوناگون لفظ (قضا) یک ریشه بیش وجود ندارد: به هر کاری که با نهایت اتقان و استحکام و پایداری و استواری خاصی انجام می گیرد، قضا می گویند. مثلاً از آنجا که آسمانها با استواری خاصی آفریده شده اند خداوند خلقت آنها را با لفظ قضی بیان نموده است.

قدر: بن فارس در باره کلمه قدر نیز می گوید: ارزش و اندازه هر چیزی را قدر و یا قدر می گویند و اگر گاهی در معنی ضیق استعمال می شود مانند **آیت ۷** **سوره طلاق** (کسانی که از نظر زندگی در فشار و ضیق هستند برای این است که این افراد امکانات کم و محدودی در اختیار دارند).

راغب اصفهانی نیز در معنی این دو واژه (قضا و قدر) مطالبی را گفته است که تفاوت چندانی با (مقاییس) ندارد و چنین معلوم می شود که (قضا) به معنای ضرورت و قطعیت چیزی و قدر به معنی اندازه و ویژگی خاص آن می باشد.

مسلمانان می گویند: قضای الهی در یک پدیده عبارت از آن خواهد بود که هستی آن پدیده نسبت به علت تام خود ضرورت و قطعیت داشته و آن علت مبدا قطعیت وجود وی گردیده است و از آنجا که (علت العلل) در جهان آفرینش آفریدگار یکتا است بنا براین ضرورت و قطعیت و استحکام و استواری همه پدیده های امکانی از ذات خداوند و علم و قدرت و اراده ازلای او سر چشمه می گیرد. پس قضای الهی عبارت است از قطعی شدن وجود حادثه ای که نتیجه تعلق اراده و قدرت و علم ذاتی و ازلای خدا به آن شی می باشد. علم و قدرت و اراده ای که بر شیء ممکن قطعیت و استحکام مناسب را می بخشد.

تقدیر در اصطلاح قرآن و حدیث همان مرحله طرح ریزی و اندازه گیری هستی هر پدیده از جهات گوناگون و قضا همان حالت ضرورت و لزوم تحقق آن پدیده می باشد. **سوره حجر آیت ۲۱** (خزاین و گنجینه های هر پدیده ای نزد

ماست و ما آن را به اندازه ای که از قبل معلوم است فرو فرستاده و پدید آوردیم.

تقدیر و سر نوشت عینی موجودات

سوره القمر آیت ۴۹ (ما هر چیزی را به اندازه و ویژگی خاصی آفریده ایم) فرقان آیت ۲ (خداوند هر موجودی را آفرید و اندازه و مقدار ویژه ای برای آن تعیین کرد). **سوره مؤمنون آیت ۱۸** (و آب را از آسمان به اندازه معین فرستادیم پس آن را در زمین قرار دادیم) **سوره یس آیت ۳۹** (و برای ماه منازلی را مقدر نموده ایم تا (پس از طی آن منازل) به صورت هلال باز می گردد). **سوره حدید آیت ۲۲**: (هیچ رخداد غم انگیز روی زمین و یا در زندگی شما رخ نمی دهد مگر پیش از آن که آنرا بیافرینیم و در کتابی ثبت گردیده است و این کار برای خدا آسان است) از محتوای این آیت می توان یک اصل کلی را برداشت نمود این که آنچه در مجموع در جهان رخ می دهد اعم از غم و شادی - صحت و بیماری - نیازمندی و بی نیازی - جنگ و آرامش - همه و همه پیش از پیدایش در کتابی به نام (لوح محفوظ) ثبت گردیده است و این مسأله ایست که علم گسترده خدا آن را ایجاب می کند.

سوره تو به آیت ۵۱ (بگو ای رسول گرامی. جز آنچه خدا بر ما نوشته است به ما نخواهد رسید او ولی و سر پرست ماست و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند)

ایمان به قضا و قدر یکی از اصول جهان بینی اسلام می باشد که علم الهی و اراده پیشین و گسترده خدا است. به عبارت دیگر قضا عبارت است از یک نوع نسبت قطعی و ضروری که میان دو چیز تحقق می یابد و اندازه و ویژگی خاص چیزی را قدر می نامند!! یعنی: قضا به معنی ضرورت و قطعیت وجود معلول است و قدر عبارت است از ویژگی ها و خواص معلول.

واژه قدر به معنی اندازه و تقدیر به معنای سنجش و اندازه گیری و چیزی را به اندازه معین ساختن است و واژه قضا به معنی یکسره کردن و به انجام رساندن و داوری کردن استعمال می شود. منظور از تقدیر الهی آنست که خدای متعال برای هر پدیده ای اندازه و حدود کمی و کیفی زمانی و مکانی خاصی قرار داده است که تحت تأثیر علل و عوامل تدریجی تحقق می یابد.

و منظور از قضای الهی آنست که پس از فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط یک پدیده آن را به مرحله نهائی و حتمی می رساند

تعدادی عقیده براین دارند که ایمان به قضا و قدر یکی از ارکان ایمان به خداوند است. **سوره قمر آیت ۴۹** (ما همانا هر چیز را به اندازه و از روی حساب و نظام آفریده ایم)

نزد خدا مقامی است که جز با دعا و تقاضا نمی توان به آن رسید و اگر بنده ای دهان خود را از دعا فرو بندد و چیزی تقاضا نکند چیزی به او داده نخواهد شد پس از خدا بخواه تا به تو عطا شود چرا هر دری را بکوبید و اصرار کنید سر انحام گشوده خواهد شد (اصول کافی ج ۲) امام صادق می فرماید (دعا قضای الهی را بر می گرداند و تغییر می دهد. اگر چه قضای الهی محکم شده باشد از این رو زیاد دعا کن که آن کلید هر رحمت و بر آوردن هر حاجت است. (اصول کافی) ج ۴) (خوانندگان گرانمایه در باره این تناقض گویی های قرآن و نظریات دنباله روان توجه خواهند نمود.) که به کدام پیمانانه می باشد.

سوره نبا آیت ۳۹ می گوید: هر کس بخواهد می تواند راهی را به سوی پروردگارش بر گزیند) سوره دهر آیت ۳ (ما راه را به انسان نشان دادیم خواه پذیرا شود و شکر گذار گردد یا مخالفت کند و کفران نماید.) با دقت در طرح های اسلامی چه پیروان جبر و چه اختیار و عمل کرد آن ها ملاحظه خواهیم نمود که همه شان در عمل اصل آزادی

و اختیار را برای خود جایگزین نموده اند به ملحوظ این که آن‌ها به خاطر اعمالی که انجام داده‌اند و آن اعمال بد بوده و ایشان پشیمان می‌باشند اگر عقیده به جبر و قدر دارند چرا باید پشیمان بود؟؟ اگر پیرو عقیده جبر هستند چرا همه بد کاران را سرزنش می‌کنند؟؟ برای بالا بردن سیر اخلاقی دیگران کوشیدن معنی ندارد توبه نمودن از زشتی‌ها و اعمال زشت را که انجام داده بی مفهوم است؟؟ محاکمه مجرمان چه معنی دارد؟ چرا این‌ها همدیگر خود را سرزنش و ملامت می‌کنند؟؟ چرا از بعضی کارهای خود پشیمان هستند؟؟ ارتقای تعلیم و تربیه افراد و سعی در تغییر اجتماع خلاف قانون جبر است؟؟

سوره آل عمران آیت ۸۹ (و هر کس جز اسلام آئینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران (اهل جهنم) است).

آل عمران آیت ۹۰ (کسانی که پس از ایمان خود کافر شدند سپس بر کفر (خود) افزودند هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد و آنان خود گمراهانند)

مسأله قضا و قدر در پهلوی موارد دیگر اسلام را دچار تناقض گویی نموده است دین اسلام از یک طرف معتقد به وجود الله است. خدائی که آنچه در جهان تا اکنون رخ داده است و یا بعد از این رخ خواهد داد همه در حدود تصمیم گرفته شده الله (قضا) است که این الله قبل از پیدایش جهان آن تصمیم را گرفته است که البته نمی‌توان با اعتقاد به آزادی انسان به قضا و قدر هم معتقد بود؟؟ آزادی انسان و مخیر بودن در انجام اعمال خود خیلی‌ها هم مهم است چون با در نظر داشت مسایل جبری باید در اختیاری بودن انسان تفکر کرد و باید فهمید چه چیزی می‌تواند عمل اختیاری انسان را جدا از جبر مشخص می‌سازد؟؟

حال ببینیم چرا این همه آشفتگی فکری اسلام در باره جبر و اختیار و قضا و قدر؟؟

محمد در جریان زندگی عادی خود و بعد از آن که ادعای پیامبری نمود در مکه بود وطوری که قبلاً در نوشته هائی ذکر نموده‌ام دعوت محمد از مردم برای قبولی دین جدیدش خیلی‌ها هم ملایم و طرح‌های مسالمت آمیز در باره دینش داشت و آیاتی که در این ۱۳ سال محمد نازل می‌کرد دعوت مردم به اسلام شکل روحانی داشت و همه آیات نازل شده آن دوره از اختیار داشتن انسان‌ها در موارد مختلف مخصوصاً قبولی دین اسلام صحبت داشت با وجود این همه صلح خواهی در این مدت ۱۳ سال کمتر از هفتاد نفر پیرو برای دین جدیدش پیدا نمود. این دین جدید چون با منافع قبیله قریش در تضاد بود و مردم عوایدی را که از درک کعبه داشتند از دست می‌دادند در صدد بر آمدند تا محمد را به قتل برسانند اما محمد با زرنگی خاص خودش با یک تعداد از یاران فرار و به مدینه رفتند و بعد از جا به جا شدن شروع نمودند به چپاول کاروانهای کوچک تجاری!! و کم کم آیات نازله هم تغییر شکل و محتوا داده دیگر آن تبلیغ صلح و صفا را نداشت و هر وقتی که لازم بود آیاتی خشن تر، آیاتی که خون و انسان کشی را جایز می‌دانست بیرون آمد و آن دین اختیاری که در مکه تبلیغ می‌شد تبدیل شد به یک دین جبری و قابل پذیرش زورکی برای مردم! خصوصاً یهودیان که تاجر پیشه بوده و هم نخل‌های خرما و غیره زیاد داشتند!!

این نزول دو نوع آیت که اختیاری بودن انسان را در امور زندگی دنیا و آخرت مطرح شده دینی تبارز می‌دهد باعث گمراهی و دست‌پاچگی دنباله‌روان و محققین اسلامی شده و هرکدام راهی را برای خود انتخاب و در تبلیغ آن زحمت کشیدند این که آنان چرا در باره جبر و اختیار و قضا و قدر الهی وحدت فکری ندارند بیچاره‌ها عقل شان نمی‌رسد که چگونه و با چی نوع عملی وجه تشابهی بین این آیات پیدا نموده و یک بینی خمیری برای دین شان درست نمایند و تعدادی هم که این موضوع را فهمیده‌اند شاید بیچاره‌ها خجالت می‌کشند از این که به چنین

حقیقت تلخی اعتراف نمایند چون پایه‌های فلسفی و عقیدتی شان را سست تر از سابق می‌نماید فلذا سعی بر این دارند تا هر گروه و جماعتی از آن‌ها پیرو همان اندیشه‌هایی باشند که قبلی‌های شان آن را قبول نموده اند در ادامه به چند آیتی که به این موضوع ارتباط دارد می‌پردازیم:

سوره لقمان آیت ۱۸ (زنهار که به تکبر از مردم روی بر نتابید و با غرور و تبختر قدم بر زمین مگذارید که خداوند از فخر فروشان بیزار است.) **سوره فرقان آیت ۶۳** (بندگان خاص خدا آنانند که با فروتنی بر روی زمین روند و هر گاه که نیز جاهلانی با ستیزه جوئی به آنان خطاب کنند آنها را با سلام و خوشروئی پاسخ گویند.) **سوره مدثر آیت ۶** (بر هر کی احسان کنی منت بدو مگذار تا خداوند مالت را زیاد کند.) **سوره انعام آیت ۵۰** (خدا به گناهکاران می‌بخشد و به پشیمان شدگان ترحم می‌آورد و خدای شما رحیم است.) **سوره غافر آیت ۱۴** (پاداش بزرگ در انتظار خلوص نیت است.) **سوره اعراف آیت ۱۵۶** (عذاب خدا خاص گناهکاران است اما رحمتش همه را شامل می‌شود.) و ده‌ها آیت دیگر. این آیات در مکه گفته شده است و در همین ۸۶ سوره مکی است که صفات خوب خداوند مثل کریم، رحیم، غفور، عزیز، خیرالرزقین، حکیم، بشر، ناصح، برهان، ملک الحق و آمده است.

در ۳۶ سوره قرآن تأکید شده است که هر کسی در روز حساب مسؤول اعمال خوب و بد در دوران زندگی می‌باشد و این به این معنی می‌تواند باشد که شخص فاعل در انتخاب اعمال خود اختیار داشته است و این موضوع در سوره‌های انعام آیات ۱۰۴-۷۰ سوره کهف آیت ۲۹ سوره انبیاء آیت ۹۴ سوره قصص آیت ۸۴ سوره عنکبوت آیت ۶ سوره روم آیت ۴۴ سوره لقمان آیت ۳۳ سوره فصلت آیت ۴۶ سوره واقعه آیت ۲۴ سوره مزمل آیت ۲۰ سوره مدثر آیت ۳۸ و ده‌ها سوره دیگر به همین موضوع تأکید صورت گرفته است.

اکنون در ذیل از چند آیت مدنی که مفهوم دیگری داشته و شکل جبری بودن اعمال انسان‌ها خلاف آیات مکی در آن آمده تذکر می‌دهم.

سوره بقره آیات ۲۵۵-۲۶۹-۲۷۲ (...خداوند هر کی را بخواهد قدرت ادراک می‌دهد و هر کی را نخواهد نمی‌دهد.) **سوره بقره آیت ۷۰** (هرکی را بخواهد مسلمان کند دلش را به اسلام مایل می‌گرداند و هر کسی را هم که نخواهد دلش را در پذیرفتن ایمان سخت می‌کند.) **سوره آل عمران آیات ۱۸-۷۴-۱۲۹** (هر کسی را که خواسته باشد مشمول رحمت خود می‌کند و هر کسی را هم که خواسته باشد به عذاب می‌رساند.) **سوره آل عمران آیت ۲۶** (... هرکس را که بخواهد ذلیل می‌کند و هر کس را هم که بخواهد عزت می‌بخشد.) **سوره تغابن آیت ۱۱** (هیچ مصیبتی به شما نمی‌رسد مگر به اذن خداوند) **سوره حدید آیت ۲۲** (هیچ چیز از آنچه برای شما پیش آید یا از نفس خود تان به شما برسد خواست خود تان نیست بلکه پیش از وقوع در کتاب ازلی خداوند مقرر شده است.) **سوره نساء آیت ۱۴۳** (هر کس را که خداوند به گمراهی برد دیگر هیچ‌کس هدایتش نکند و پیوسته در گمراهی بماند)

اکنون با در نظر داشت قضا و قدر الهی که خداوند با علم ازلی خود همه چیز عالمی را که هنوز خلق نشده طراحی و در کتابی به نام قرآن درج و تا زمان نزول آن به محمد آن را در لوح محفوظ نگهداشته است فقط به چند آیتی از سوره‌های قرآن می‌پردازیم.

سوره بقره آیت ۲۴۴ (در راه خدا قتال کنید و دانسته باشید که خداوند شنوا و آگاه است).

سوره نساء آیت ۷۵ (چرا در راه خدا قتال نمی‌کنید؟)

سوره نساء آیت ۸۹ (و اگر با شما مخالفت کردند پس آنها را بگیرید و بکشید)

سوره مائده آیت ۳۳ (کیفر محاربان با خدا و رسول او این است که آنها را بکشید یا به دار آویزید و یا دستها و

پاهایشان را در جهت خلاف یک دیگر قطع کنید ... و این همه فقط عذاب دنیوی آنها است زیرا عذاب بزرگتر در آخرت در انتظارشان است
ادامه دارد